

مطالعه کیفی علل و زمینه‌های سرقت از منازل و تأثیر آن بر نظم و امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر قم)

داوود صفا^{۱*} و حفیظ‌الله فولادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۴

چکیده

این مقاله بر مبنای مطالعات انجام شده و مبنای نظری موجود، با طرح سؤالاتی باز جهت انجام مصاحبه اکتشافی و عمیق با سارقان منازل در سال ۱۳۹۴ شهر قم، انجام شده است. برای کشف و تبیین مهمترین علل و زمینه‌های گرایش به سرقت از منازل، از روش استقراء کیفی و تکنیک نظریه زمینه‌ای بهره برده‌ایم. حجم نمونه بر مبنای اصل اشباع نظری و شیوه نمونه‌گیری هدفمند ۲۱ نفر از سارقان حاضر در زندان مرکزی قم تعیین شده است. برحسب یافته‌ها، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، قضایی، انتظامی و فردی سوق‌دهنده افراد به سرقت بوده است و برای انجام سرقت از منازل زمینه‌هایی همچون بی‌احتیاطی بزه‌دیدگان، سهولت فروش لوازم سرقت شده، شرایط خاص محیطی و نیز تردد دخیل بوده‌اند. در تحلیل پیامدهای مترتب بر سرقت، وقوع جرائم خشن حین سرقت، ایجاد ناامنی، تخریب وجهه شهر قم به عنوان مهمترین پیامدها قابل طرحند. در نهایت می‌توان گفت شرایط و زمینه‌های رخداد سرقت منزل با هزینه پایین و سود زیاد برای سارقان از سویی و داشتن پیامدهای مخرب برای جامعه از سوی دیگر وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سرقت از منازل، علل و سرقت، سارقان، گراند تئوری، شهر قم.

۱. نویسنده مسئول. دکتری جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه؛ davood_safa@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه hfooladi@rihu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

سرقت از با سابقه‌ترین جرائم بشری است که در جامعه‌های مختلف به علل گوناگون وجود داشته و دارد. این پدیده در طول زمان دستخوش دگرگونی‌ها و تغییرات زیادی شده اما تنها چیزی که از ابتدای پیدایش آن تاکنون ثابت مانده زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است.

با گذشت زمان شیوه‌ها و روش‌های سرقت، نوع اموال و اشیاء مسروقه و وسایل و ابزار مورد استفاده برای ارتکاب سرقت تغییر یافته، به طوری که امروز برخی از سارقان از آخرین تکنیک‌ها و تکنولوژی‌ها برای پیشبرد کار خود استفاده می‌کنند به همین لحاظ شیوه مقابله و روش‌های برخورد با آنها متناسب با دگرگونی‌های سرقت متحول شده است به تعبیر دیگر چون در عصر ما موارد و وسایل گوناگون سرقت و گرایش به آن تغییر یافته، مقابله با آن نیز دشوارتر شده است. به عبارتی جرم سرقت می‌تواند به تبع دگرگونی اشکال جامعه متحول شود، لذا برنامه ریزی حول آن مستلزم نگاه جدیدی است که با این دگرگونی همراه باشد. (کاظمی، ۱۳۸۸، ۳۲۶)

تحقیق در ابعاد، علل و زمینه‌ها و پیامدهای رخداد آن امری ضروری است. به موازات افزایش آمار سرقت در کشورهای مختلف، در کشور ما نیز آمار ارتکاب سرقت رو به افزایش بوده است. برخی از پیامدهای سرقت را می‌توان تزلزل امنیت اجتماعی، بالا رفتن هزینه‌های تولید، از بین بردن انگیزه‌های کار، تلاش و سرمایه‌گذاری در کشور، مصروف شدن بخشی از سرمایه‌های اجتماعی و نیروهای انتظامی در جهت کشف، نگهداری، مجازات و... سارقان است؛ که عوامل این پدیده را می‌توان چنین برشمرد: عامل اقتصادی، عامل سیاسی، عامل اجتماعی، عامل شخصی، نارسایی‌های قانونی، عامل قضایی. این عوامل می‌توانند پدیده سرقت را افزایش و هم کاهش دهند.

مسئله اصلی در اینجا کشف و فهم این نکته از منظر خود سارقان است. اینکه در چه شرایطی و به دنبال چه عللی ظهور و رشد می‌یابد و چه پیامدهایی دارد و چگونه می‌توان از رشد آن پیشگیری کرد.

بی تردید فهم مهم‌ترین علل سرقت از منازل شهر قم از منظر خود سارقان به عنوان پیش‌نیاز ارائه راه‌کارهای علمی و کاربردی جهت پیشگیری از این مسأله اجتماعی مذموم و مشکل‌ساز، ضروری خواهد بود. لذا این تحقیق با رویکردی کیفی به دنبال پاسخ این سؤال اصلی است؛ که از منظر کنشگران (سارقان) مهم‌ترین علل، زمینه‌های بستر ساز و پیامدهای

سرقت از منازل در شهر قم چیست؟ و چگونه و طی چه راه کارهای عملیاتی می‌توان از وقوع آن پیشگیری کرد.

اهمیت و ضرورت

امروزه به خاطر پیچیدگی روابط اجتماعی، پدیده سرقت پیامدها و آسیب‌های زیادی را به دنبال دارد؛ در واقع نه تنها رواج سرقت باعث از بین رفتن اموال شخصی افراد می‌شود، بلکه بیش از آن، امنیت اجتماعی را نیز متزلزل می‌سازد. سرقت همچنین موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و بخش‌های زیادی از بیت‌المال و سایر امکانات کشور باید صرف پیشگیری از آن و مبارزه با تبهکاران و سارقان و تخصیص بودجه برای اداره زندان‌ها، تأمین زندگی خانواده‌های زندانیان و مانند آن شود، مصرف‌کننده‌ها و شهروندان تحمل شده و اضطراب و نگرانی دامن‌گیر بسیاری از خانواده‌ها اعم از خانواده‌های پدیده سرقت همچنین از لحاظ سیاسی، امنیت داخلی را مخدوش و موجبات نارضایتی و اعتراض عمومی می‌شود. لذا با توجه به ابعاد پیچیده و تاثیرگذار مسأله سرقت، ضرورت اجرای چنین تحقیقاتی دو چندان می‌شود؛ زیرا بی‌توجهی به آن و یا تأخیر در بررسی علل پدیداری آن، نتایج منفی سرقت از لحاظ مالی و روانی گسترده‌تر شده و آسیب‌هایی را به امنیت اجتماعی وارد خواهد کرد.

اهمیت دیگر تحقیق ناظر بر روش شناسی آن است. غالباً تحقیقات در باب اتیولوژی سرقت با استفاده از رویکرد قیاسی و مبتنی بر متدولوژی تجربی و کمی بوده است و تحقیقات اندکی با استفاده از روش‌های کیفی و تفسیری به مطالعه آن پرداخته‌اند. تحقیق حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از داده‌های کیفی و مبتنی بر تجربه زیسته خود سارقان به واکاوی پدیده سرقت بپردازد.

اهداف اصلی

- شناسایی، توصیف و تحلیل مهمترین علل سرقت از منازل؛ از منظر سارقان
- بررسی و توصیف مهمترین شرایط زمینه‌ساز رخداد سرقت از منازل از منظر سارقان
- بررسی و توصیف پیامدهای رخداد این نوع سرقت و نقش و تأثیر آن در نظم و امنیت شهر
قم؛

ارائه پیشنهادات و راهکارهای کاربردی جهت برنامه‌ریزی در راستای کاهش و پیشگیری از سرقت منازل متناسب با وضعیت و شرایط کنونی استان قم.

سؤال اصلی تحقیق

-بنابر آنچه بیان شد سؤال اصلی تحقیق این است که مهمترین علل، زمینه‌ها و پیامدهای سرقت از منازل در شهر قم از منظر سارقان کدامند؟ و مهمترین راه کارهای معطوف به پیشگیری و کنترل آن چیست؟

سؤالات فرعی

-مهم‌ترین علل اجتماعی، محیطی، خانوادگی، اقتصادی و فردی سرقت‌های منازل در شهر قم از نظر سوژه یا (سارقان) کدام است؟

-مهم‌ترین شرایط زمینه ساز رخداد سرقت از منازل چیست؟

-مهم‌ترین تأثیرات و پیامدهای سرقت در شهر قم به ویژه از منظر امنیت اجتماعی چه می‌باشند؟

-چگونه و با چه راه کارهایی می‌توان از رخداد سرقت از منازل در شهر قم پیشگیری نمود؟

پیشینه تحقیق

هر چند در زمینه علل رخداد جرائم و بهره‌مندی از نظریه‌های مختلف کارهای پژوهشی زیادی انجام شده است، اما تحقیقات بسیار کمی بر روی سرقت از منازل به ویژه در شهر قم انجام گرفته است. با این حال در اینجا آن دسته از تحقیقاتی که از لحاظ موضوعی با تحقیق حاضر قرابت دارند، بیان می‌شوند.

حامد، بیتا و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه»، به بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و انتظامی ارتکاب سرقت در شهر کرمانشاه پرداخته‌اند. آنان در تحقیق خود بیشتر به عوامل امنیتی و پلیسی (انتظامی) تأکید داشته‌اند. در این تحقیق از چارچوب نظری تلفیقی از نظریه‌های فشار ساختاری مرتون، انتقال فرهنگی ساترلند، کنترل اجتماعی هیرشی، مناطق جرم خیز شاو و مک گی، آنومی و ساختار خانواده گود و نظریه شیوه زندگی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش

نشان داد که اکثر سارقان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایینی در جامعه داشته‌اند و طبعاً وسایل لازم برای رسیدن به اهداف مشروع را نداشته‌اند. این بدان معناست که عواملی چون محرومیت نسبی در زندگی و دست نیافتن به پایگاه اجتماعی مورد انتظار، آنان را به سوی جرم سوق داده است؛ بنابراین اگر بناست با سرقت مبارزه شود، به جای مبارزه با سارق که خود محصول و برون‌داد سیستم است، باید به اصلاح ساختاری پرداخت که سارق را پدید می‌آورد. (بیتا، ۱۳۸۹: ۲۸)

اسماعیل‌خو، علی (۱۳۷۵)، در پایان‌نامه خود با موضوع بررسی علل گرایش به سرقت وسایل نقلیه (اتومبیل) در تهران بزرگ، از تکنیک اسنادی و مصاحبه استفاده کرده است. هدف از این تحقیق ریشه‌یابی سرقت اتومبیل، دستیابی به راه‌های کشف جرم و سرانجام ارائه نحوه کاهش سرقت اتومبیل در تهران بوده است. محقق پس از بهره‌مندی از نظریات انحرافات اجتماعی و تدوین فرضیات تحقیق به متغیرهایی همچون بیکاری، عوامل خانوادگی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، اشاره کرده است. این تحقیق با روش میدانی در بین ۱۹۶ نفر از سارقان که در نیمه اول سال ۷۵ در تهران مرتکب سرقت اتومبیل شده بودند و در زندان به سر می‌بردند انجام شده است.

محقق در پایان نتیجه می‌گیرد که بیشتر سارقان اتومبیل را مردان مجرد جوان (تا ۳۰ سال) تشکیل می‌دهند که در مناطق جنوب تهران ساکن بوده‌اند و محیط خانوادگی معمولی داشته و در مناطق جرم‌خیز زندگی می‌کرده‌اند و با افراد سابقه‌دار و مجرم معاشرت داشته‌اند. آن‌ها دارای تحصیلات پایین و سابقه جرم بوده‌اند.

کلانتری، محسن و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با موضوع تحلیل فضایی الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان، به بررسی تأثیر بخش مرکزی شهر زنجان در شکل‌گیری الگوهای بزهکاری و تبیین عوامل مؤثر در بروز بزهکاری در این منطقه بوده است. روش تحقیق تحلیلی - تطبیقی است و برای شناسایی و درک الگوهای مکانی بزهکاری در منطقه بخش مرکزی از مدل‌های آماری و گرافیک مینا در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کانون‌های جرم خیز در بخش مرکزی شهر زنجان به طور تصادفی توزیع شده است. از سوی دیگر بالا بودن میزان کاربری تجاری و کمبود یا نبود برخی کاربری‌های مورد نیاز شهروندان از جمله فضای سبز که نظارت رسمی بر این محدوده‌ها را بسیار دشوار ساخته، در افزایش توزیع جغرافیایی نوع و میزان جرائم و شکل

گیری الگوهای فضایی بزهکاری مؤثر بوده است. به نظر می‌رسد با ساماندهی و ارتقای سرانه‌های تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی، ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، تعریض شبکه معابر و مکانیابی مراکز انتظامی جهت افزایش نظارت رسمی در این محدوده و اصلاح فیزیکی و کالبدی فضاهای مسکونی این محدوده می‌توان امکان آسیب پذیری این فضاها و میزان وقوع جرائم را کاهش داد.

توحید عبدی و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر وقوع سرقت‌های به عنف شهرستان کرج به دنبال بررسی به دنبال سنجش تاثیر موقعیت جغرافیای و شرایط مکانی و عوامل تسهیل کننده در وقوع جرم بوده‌اند. آن‌ها در پی اهدافی همچون سنجش رابطه بین جرم سرقت به عنف و فضاهای مکانی و توان انتظامی و نقش مهاجرین و حمل و نقل مسافری (خودروهای شخصی) در شهرستان کرج به تحقیق میدانی پرداخته‌اند؛ به نحوی که داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه خود ساخته، توسط ۱۵۰ نفر از افسران آگاهی و افسران کلانتری‌های شهرستان کرج در سال ۱۳۸۶ که دارای ۱۰ سال سابقه خدمت انتظامی داشته‌اند به صورت تمام شمار گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی، ناوگان مسافربری (خودروهای شخصی) وجود افراد مهاجر و ضعف توان عملیاتی پلیس در وقوع سرقت‌های به عنف موثر است.

عیسی برتاو و همکاران، (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی الگوهای سرقت مسکونی با به کارگیری رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی مطالعه موردی: شهر زاهدان، معتقدند که در گذشته تحلیل فضایی جرم به نمایش کارتوگرافیک کانون‌های مهم حوادث بزهکاری محدود می‌شد، اما با گسترش پایگاه داده‌ها و افزایش جرائم، به تکنیک‌های جدیدتری برای تحلیل الگوهای فضایی آنها نیاز بود. امروزه برای تحقق این امر از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود؛ از جمله این تکنیک‌ها، تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی است. یافته‌های تحقیق نشان داد بین توزیع الگوهای سرقت مسکونی و مهاجرت با میزان ۰/۵۷۶۷ درصد و همچنین، برای شاخص محلی نیز مهاجرت با همان مقدار، ولی شاخص استاندارد شده بیشتر در فضای جغرافیایی، «خود همبستگی» بالایی نسبت به سایر فاکتورها دارد و این نشان می‌دهد که توزیع الگوها غیر تصادفی است و سبک زندگی و فعالیت روزمره می‌تواند زمینه‌های قربانی شدن را فراهم کند. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که سارقان برای انتخاب اهداف و مکان‌ها دست به

انتخاب عقلایی می‌زنند. در نهایت، کشف الگوهای سرقت مسکونی در شهر زاهدان، وجود تجمع فضایی معنی داری از ارزش‌های بالا-بالا و پایین-پایین و همچنین «خود همبستگی» فضایی‌های منفی را به خوبی نشان داد. مناطقی که دارای الگوهای فضایی بالا بالا و پایین پایین هستند، می‌توانند اطلاعات فضایی خوبی برای اتخاذ راهبردهای مبارزه با جرائم باشند. از طرفی دیگر، نتایج نشان داد که سبک زندگی و فعالیت روزمره مناطق جرم خیز را آسیب پذیرتر می‌کند. به بیانی دیگر، منطقه فاقد نگهبان کار می‌شود.

مبانی نظری

از آنجایی که مقاله حاضر با رویکرد نظریه‌مبنایی نوشته شده است باید فاقد چارچوب نظری باشد لذا در این بخش تنها مروری کوتاه در قالب جدول بر نظریه‌های مرتبط با حوزه سرقت انجام می‌گیرد تا زمینه همگرایی و واگرایی نتایج حاصل از تحقیق را بتوان با آن سنجید.

نظریه پرداز	نظریه	متغیر
سزار لومبروزو	زیست شناختی	ویژگیهای ذهنی و جسمانی فرد-جنسیت
رابرت کینگ مرتون	فرصت‌های مشروع افتراقی	نابسامانی اجتماعی و اقتصادی (بیکاری-عدم برنامه ریزی برای اوقات فراغت جوانان و...). در دسترس نبودن اهداف مشروع یا وسایل مشروع برای رسیدن به اهداف مشروع.
کلوارد و اهلین	فرصت‌های نامشروع افتراقی	مناطق و محله‌های جرم خیز
مارکس	تضاد	نابرابری‌های اجتماعی و تضاد طبقاتی-پایگاه اقتصادی و اجتماعی سارق
پیترام بلاو	تئوری احساس محرومیت نسبی	احساس بی عدالتی و ناراضی‌تی و محرومیت نسبی-مشکلات مالی سارق
هیرشی	کنترل اجتماعی	میزان وابستگی فرد نسبت به خانواده و گروه‌های اجتماعی-میزان شهرت - تحصیلات-وضعیت تأهل- وضعیت اشتغال و نوع شغل -کنترل توسط پلیس و سایر نهادهای اجتماعی-تاثیر میزان و نحوه مجازات بر تکرار جرم
باندورا و ساترلند	یادگیری اجتماعی پیوند افتراقی	کشمکش والدین (وجود انحراف در خانواده) - داشتن همسالان بزهکار-شیوه اجرای سرقت (توصیف و تحلیل نحوه و شگرد سرقت)- برنامه ریزی شده بوده یا ناگهانی بودن سرقت
پارک، برگس، ایکرز	بوم شناسی (شیکاگو)	زبان، قومیت و خاستگاه خانوادگی، مهاجرت، منطقه سکونت و تراکم جمعیتی: سن، بعد خانوار - نژاد و محل سکونت-کوچه، خیابان، فعالیت‌های اجتماعی، حضور پلیس، روشنایی ساختمان‌ها،

زمان سرقت (فصل و ساعت)		
سی. ری. جفری	طراحی محیطی	محل رخداد سرقت - میزان تفکیک فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی - نظارت یا مراقبت (حضور نگهبانان یا محافظان امنیتی) - وجود روشنایی کافی و نصب دوربین‌های مدار بسته - کنترل دسترسی یا ورودی - زیبا و سالم بودن محله - سخت کردن آماج جرم
آلبرت کوهن	احساس ناکامی	شلوغی یا خلوت بودن محله - معماری و شهرسازی منطقه وقوع سرقت
هوارد بکر	برچسب اجتماعی	ناکامی
		برچسب سارق خوردن - سابقه زندان یا سایر انحرافات (اعتیاد یا مصرف الکل).

چارچوب مفهومی تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به نوع مطالعه آن یک مطالعه اکتشافی مبتنی بر روش نظریه مبنایی است. این روش تحقیق، فاقد چارچوب نظری است.

با توجه به تفاوت‌های پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی و اکتشافی به جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۹۰)

مفاهیم مرتبط با موضوع

سرقت و سارق: سرقت را در لغت به «دزدی کردن» تعریف کرده‌اند (ر. ک. فرهنگ عمید ذیل واژه سرقت)؛ در اصطلاح سرقت عبارت است از ربودن مال و اشیای منقول و یا غیر منقول دیگری بدون رضای او و بر خلاف حق. در این تحقیق، عنوان سارق شامل فرد و یا افرادی است که با ربایش اموال دیگران توسط عوامل انتظامی دستگیر شده و تحویل مراجع قضایی گردیده و با حکم دادگاه محکوم به زندان شده‌اند.

شرایط علی: «شرایط علی» به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شود. (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)

شرایط زمینه‌ساز سرقت: شرایط زمینه ساز اشاره به مجموعه‌ای از شرایط و بسترهای اجتماعی، محیطی و بیرون از اراده افراد جامعه دارند که آنان را به سوی رفتارهای هنجارشکنانه سوق می‌دهد. به بیان دیگر در اینجا بحث بیشتر ناظر به ساختارها و زمینه‌های اجتماعی است.

شرایط میانجی یا مداخله‌گر: به شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای کنش یا کنش متقابل که مربوط به یک پدیده است، اشاره دارد. آن‌ها تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند. این شرایط شامل فضا، زمان، فرهنگ، وضعیت اقتصادی و بیوگرافی فردی و. هستند. محدوده آنها از دورترین شرایط به وضعیت تا نزدیکترین به آنهاست (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷).

روش شناسی

روش تحقیق حاضر، از نظر میزان ژرفایی، ژرفانگر و از نظر میزان واحدها و متغیرهای مورد بررسی تبیینی و تحلیلی و ادغامی از رهیافت کیفی است.

برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق که حول محور مهمترین علل و زمینه‌های رخداد سرقت از منازل از منظر سارقان بوده است، با استفاده از روش استقراء کیفی در جملات استخراج شده از مصاحبه‌ها برای تحلیل داده‌ها، از روش نظریه مبنایی استفاده شد. در این روش با گردآوری داده‌های مرتبط با مسأله تحقیق، نکات استخراج شده از مصاحبه‌ها که مرتبط با سؤال‌های تحقیق بود، به کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها به صورت نظام‌مند پرداخته شد تا در نهایت ایده پنهان در نهان این جملات و یا خطوط اصلی آن استخراج شود. بر این اساس، پس از جداسازی داده‌های گردآوری شده از مجموعه گزاره‌های استخراج شده، داده‌ها کدگذاری اولیه شدند و سپس کدها با عنوان‌هایی کلی‌تر در جدول جداگانه‌ای، کدگذاری محوری گردیدند؛ سپس سعی شد مفهوم مشترک مابین کدهای محوری، به عنوان مقوله انتخابی و یا گزینشی مطرح شود.

کدگذاری در این روش در سه مرحله انجام گرفته است.

کدگذاری باز: هدف پژوهشگر در کدگذاری باز، درک مفاهیم مستتر در جملات انتخاب شده است. این مفاهیم بر داده‌ها تحمیل نمی‌شوند، بلکه در واقع این خود داده‌ها هستند که در قالب این

مفاهیم سخن می‌گویند. استخراج این مفاهیم می‌تواند از راه‌های گوناگون به دست آید. ممکن است از طریق دانش‌های پیشین محقق و یا برگرفته از داده‌های موجود در این پژوهش و یا اینکه برآمده از ذهن خلاق محقق باشد. خلاصه اینکه، کدگذاری باز فرایند ایجاد ارتباط بین مفاهیم برآمده از دل داده‌ها و استخراج مضمون جمله و ایجاد دسته‌بندی جدیدتر است تا از این طریق بتوان به نظریه‌ای نائل شد.

برای انجام کدگذاری باز یکی از روش‌ها تحلیل سطر به سطر داده‌ها است. در این روش با معاینه دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه انجام می‌شود. این روش وقت‌گیرترین شیوه کدگذاری است (استراوس و کرین، پیشین: ص ۱۴۱). یکی از روش‌های دیگر برای کدگذاری این است که برای تحلیل و کدگذاری یک داده محقق از خود بپرسد فکر اصلی موجود در این جمله یا پاراگراف چیست؟ سپس، بعد از دادن نامی به آن، تحلیل تفصیلی‌تری از مفهوم به دست دهد (همان، ص ۱۴۲).

کدگذاری محوری: در مرحله کدگذاری محوری محقق پراکندگی موجود میان کدها در مرحله کدگذاری اولیه را، به اتحاد نسبی تبدیل کرده و میان دسته‌بندی‌های به وجود آمده در مرحله کدگذاری باز ارتباط جامع‌تری به وجود می‌آورد. کدگذاری محوری، فرایند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها) با یکدیگر است (فراهانی و عریضی، پیشین: ص ۵۲۳)؛ به عبارت دیگر، محقق به هر دسته از عناوین فراهم شده در مرحله کدگذاری باز، عنوانی کلی‌تر و عام‌تر می‌دهد و از فراوانی کدهای قبلی، مقدار قابل توجهی فرو می‌کاهد و طبقه‌های بزرگتر محوری را با مفاهیم جدیدتر شکل می‌دهد. عناوین جدید نیز می‌تواند بر اساس فهم محقق از داده‌ها و یا دانش‌های پیشین او و یا حساسیت تئوریک و ذهنی او باشد. «تشکیل طبقه‌های بزرگتر محوری کمک می‌کند که طبقه‌ها به نحوی با یکدیگر مربوط شوند که مواردی از قبیل متن و شرایطی که تحت آن پدیدارها رخ می‌نمایند بازشناسی شوند و نیز پیامدهایی مرتبط با این رخدادها شناسایی شوند» (فراهانی و عریضی، پیشین: ص ۲۲۸).

کدگذاری انتخابی (گزینشی): آخرین مرحله از کدگذاری‌ها به کدگذاری گزینشی یا انتخابی موصوف است. «کدگذاری انتخابی فرایندی است که از میان دسته‌بندی‌های مختلف، یک دسته را به عنوان هسته و مرکز برمی‌گزینیم و سایر دسته‌ها را به آن دسته ارتباط می‌دهیم. ایده اصلی، ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط دیگر داده‌ها به این هسته است» (همان، ص ۵۳۲). محقق در کدگذاری انتخابی به دنبال کشف «خط اصلی داستان» (فراهانی و عریضی، پیشین:

ص ۲۲۸) است. توضیح اینکه محقق در این مرحله از میان عناوین کلی به دست آمده در مرحله کدگذاری محوری یکی را به عنوان مقوله مرکزی برمی‌گزیند و رابطه آن را با دیگر مقوله‌ها بررسی می‌کند. مقوله مرکزی یا همان مقوله هسته‌ای، نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است. اگر چه مقوله مرکزی از درون تحقیق بیرون می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است. مقوله مرکزی حاصل همه تحلیل ما را در قالب چند کلمه می‌ریزد. در واقع این چند کلمه به ما می‌گویند که کل تحقیق در باره چیست (استراوس و کرین، پیشین: ص ۱۶۷).



جامعه آماری و حجم و روش نمونه‌گیری

«منظور از جامعه آماری، همان جامعه اصلی است که از آن نمونه‌ای نمایا یا معرف به دست آمده باشد» (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۱۵۷). در تحقیق حاضر جامعه آماری، تمالی سارقان منازل شهر قم بودند که در سال ۹۴ در زندان بسر می‌بردند. حجم نمونه بر مبنای اصل اشباع نظری، انجام مصاحبه با ۲۱ نفر از آنان بود.

بر اساس چارچوب‌های روش کیفی از نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند (نمونه‌گیری نظری) با تاکید بر نمونه‌گیری مرتبط استفاده شده است؛ گلنزر و اشتراوس این استراتژی را این گونه شرح می‌دهند: نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرآیند گردآوری داده‌ها برای نظریه پردازی که از این طریق تحلیلگر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری، و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری، و آنها را کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری، تدوین کند. (اووه فیلک. ۱۳۸۷: ۱۳۸)

در انجام نمونه گیری؛ با مراجعه به اداره زندانها و شناسایی تعدادی از سارقان منازل که در زندان بودند، متناسب با تعدادشان، درصدی که موجب اشباع نظری می‌شدند، انتخاب و با آنان مصاحبه عمیق و اکتشافی صورت گرفت. مصاحبه عمیق، تکیه گاه اصلی نظریه مبنایی است و مصاحبه‌ای است که در آن به آزمودنی مورد مصاحبه برای هدایت جریان گفتگو، آزادی بیشتری داده می‌شود (به بی، ۱۳۸۵: ۵۸۷-۵۸۴). پس از انجام مصاحبه‌ها، با تفکیک نکات استخراجی از مصاحبه‌ها، داده‌ها در دو دسته، علل گرایش به سرقت و بسترهای زمینه‌ساز سرقت از منازل تحلیل شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

الف) کدگذاری محوری علل گرایش به سرقت: پس از تحلیل داده‌ها در قالب جدول و کدگذاری اولیه مفاهیمی به دست آمد. مفاهیم استخراجی به همراه مقوله‌های محوری در یک جدول آورده شده و سپس مقولات مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول مفاهیم و مقوله‌های محوری علل گرایش افراد به سرقت		
مقولات محوری	مفاهیم	
وضعیت نابسامان خانوادگی	تشویق برادر به سرقت به دلیل اوضاع بد مالی - عدم کنترل خانواده بر فرزندان - بی توجهی خانواده به وضعیت فرزندان - فقدان مهارت از سوی والدین در برخورد با رفتارهای نادرست فرزندان - فقدان آرامش در محیط خانواده - داشتن پدر و یا اقوام سارق - زندانی بودن سرپرست خانواده - محبت نکردن پدر به فرزندان - فقدان سرپرست - انحراف سرپرست خانواده - فرزند طلاق بودن.	۱
ضعف اعتقادی	غفلت از سرای آخرت؛	۲
مهاجرت و احساس گمنامی	مهاجرت؛	۳
فقر فرهنگی	فراهم نبودن شرایط تحصیل؛ فقر فرهنگی، پذیرفته بودن فرهنگ سرقت در برخی از اقوام	۴
دوستان ناباب	گذراندن اوقات فراغت با دوستان و تفریح با آنان در کلوپ و گیم‌نت و قهوه‌خانه - نشستن سر کوچه و کشیدن قلیان - همنشینی با جنس مخالف - همنشینی با دوستان بدکار - تحریک و تشویق دوستان خلافکار؛	۵
اعتیاد	اعتیاد و مصرف مواد توهم‌زا؛	۶
کم هزینه و به صرفه بودن سرقت از منازل	داشتن احساس خطر کم و درآمد زیاد در سرقت از منازل نسبت به سایر سرقت‌ها؛ مجازات کم سرقت از منزل، پیگرد قانونی دشوار و سبیل سرقتی از منزل	۷

وضعیت نابسامان خانوادگی: اهمیت نهاد خانواده و نقش تعیین‌کننده آن در اجتماعی شدن کودکان جهت ورود به جامعه و ایفای نقش‌های مورد انتظار، بر همگان آشکار است؛ زیرا این خانواده و شیوه تربیتی در آن است که آموزش دهنده هنجارها و باید و نبایدهای جامعه به فرزند خود بوده و اگر در این فرایند خانواده نتواند نقش خود را به درستی ایفا نماید، می‌توان ادعان داشت که خسارت‌های جبران‌ناپذیری به شکل‌گیری شخصیت مورد انتظار از کودک، وارد می‌شود؛ بنابراین، بروز نابسامانی در محیط خانواده، چه به صورت «بی‌توجهی خانواده به وضعیت تربیتی و نیازهای فرزندان» باشد و چه با «فقدان آرامش در محیط خانواده» و یا به شکل‌های دیگری که در قالب مفاهیم استخراجی از مصاحبه با سارقان دستگیر شده به دست آمد و در جدول فوق آورده شد، همه این موارد می‌توانند در ساختن شخصیتی ناقص و متزلزل و مستعد برای انواع بزه‌کاری‌ها و از جمله رو آوردن به سرقت نقش بسزایی ایفا نمایند.

ضعف اعتقادی: ایمان قلبی انسان به اینکه خداوند در این دنیا بر اعمال وی شاهد و ناظر بوده و پس از مرگ وی، کارهایش در دادگاه الهی مورد حسابرسی قرار خواهد گرفت، چنین باورداشتی زمینه‌ای اساسی برای دوری انسان از رفتارهای انحرافی و دستبرد زدن به حقوق و مال و جان و ... دیگران می‌شود. حال اگر فردی چنین اعتقادی نداشته باشد و عوامل تربیتی و اجتماعی کننده و مکانیسم‌های کنترل رسمی و غیر رسمی هم ضعیف عمل کنند، فرد هیچ‌گونه محدودیتی برای خود نخواهد دید و مهبای هرگونه اقدامی خواهد شد.

مهاجرت و احساس ناآشنایی: یکی از آثار زندگی انسان در کنار آشنایان و خویشاوندان و شناخته شدن توسط دیگران، مواظبت از رفتار وی توسط آشنایان و دوستان بهنجار و پرهیز او از کارهایی است که زمینه‌ساز طرد شدنش توسط آنان است. به بیان دیگر یکی از مکانیسم‌های کنترل انحرافات اجتماعی کنترل‌های غیر رسمی است که توسط آشنایان صورت می‌گیرد؛ به همین جهت دور بودن انسان از جایی که او را می‌شناسند، می‌تواند زمینه‌ای برای سهولت اقدام وی به اقدامات نابهنجار شده و این تلقی هم برای فرد ایجاد شود که کسی وی را نمی‌شناسد. مهاجرت و دوری از منطقه خود، می‌تواند برای برخی افراد بستر ساز رها دیدن خود برای هر اقدامی باشد.

آموزش شیوه سرقت در زندان و عدم موفقیت زندان در اصلاح افراد: بر طبق نظریه‌های علمی و نیز تصریح گزاره‌های دینی^۱ همنشینی فرد با خلافکاران وی را مستعد کنش‌های مجرمانه کرده و در زمره مجرمان قرار می‌گیرد. در اینجا نیز باید توجه داشت که اگر فردی به علت ارتکاب جرمی محاکمه شده و زندان افتاد، اگر با افراد سابقه‌دار و حرفه‌ای در فعالیت‌های مجرمانه همنشین شود، مضافاً بر اینکه کارکرد اصلی زندان که برای تنبیه و اصلاح خلافکاران است از دست می‌رود، بلکه زمینه‌ای برای فراگیری سایر شیوه‌های مجرمانه نیز خواهد شد.

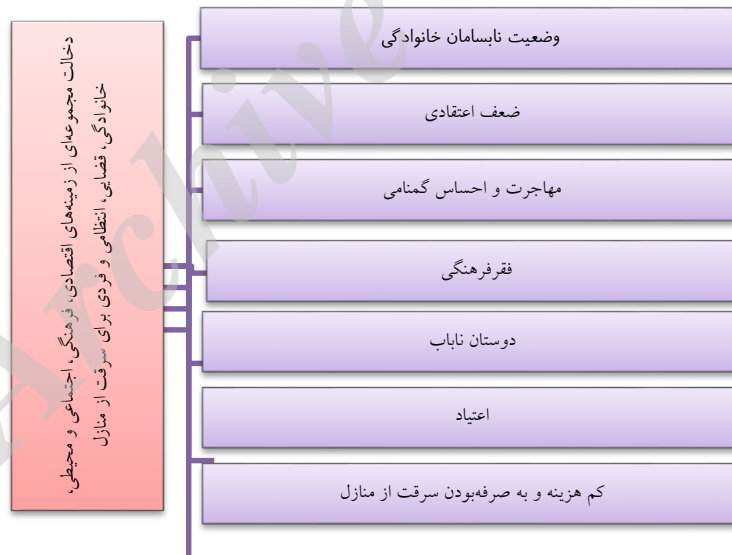
دوستان ناباب: نقش دوستان و همنشینی با افراد در شکل‌دهی به شخصیت فرد و کنش‌های او نقشی حائز اهمیت است و به قول معروف «بگو با کیستی تا بگویم چیستی؟» که حکایت از میزان تأثیرگذاری همنشین در قضاوت‌هایی است که دیگران نسبت به فرد پیدا می‌کنند؛ بر این اساس، دوستان ناباب در سوق دادن فرد به سمت کجروی و کنش‌های نابهنجار و به دور از چارچوبه‌های پذیرفته شده اجتماعی دخالت دارند. در تئوری ساترلند و کرسی با دو نکته تأمل برانگیز مواجه می‌شویم که تأثیر و فرایند شکل‌گیری رفتارهای کجروانه را بر مبنای پیوند با افراد کجرو به خوبی روشن می‌سازد. آن‌ها معتقدند که افراد در اوضاع و احوال و در ساختارهای خاص اجتماعی، به هم پیوند می‌خورند؛ و در این پیوند، رفتارهای کجروانه را از یکدیگر می‌آموزند. نکته دوم، آن است که عوامل متعددی بر میزان و کیفیت یادگیری افراد از همنشینان اثر می‌گذارند. این عوامل عبارتند از: دوام همنشینی، شدت، طول و دفعات ارتباط فرد با همنشینان، اولویتی که یک همنشینی یا همنشینان برای فرد دارند، میزان و چگونگی نزدیکی همنشینان به یکدیگر و سرانجام، سن آنها (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳). به نظر ساترلند رفتار منحرفانه از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۳۰).

اعتیاد: رو آوردن انسان به مواد مخدر و اعتیاد به آن و نیاز شدید فرد معتاد به تأمین مواد تخریدکننده برای خویش، احتمال اینکه او را به انواع رفتارهای بسیار ناپسند بکشاند، برای

^۱ در این زمینه به کلامی از حضرت امیر علیه‌السلام بسنده می‌کنیم که می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَصَاحِبَةَ الْأُسَاقِ فَإِنَّ الشَّرَّ بِالشَّرِّ مُلْحَقٌ» (از همنشینی با فاسقان بهره‌ز که شر به شر می‌پیوندد) نهج‌البلاغه، نامه ۶۹.

عموم افراد جامعه روشن است. اعتیاد به قدری در تضعیف اراده و تخریب شخصیت انسان مؤثر بوده که بسیاری از افراد پس از ابتلای به آن، علی‌رغم اینکه می‌دانند در ورطه بسیار خطرناکی واقع شده‌اند، ولی به جهت ضعف اراده، نمی‌توانند خود را از منجلاب کثیف و خانمان‌سوز اعتیاد رهایی بخشند. این افراد به قدری در این زمینه گرفتار می‌شوند که برای تأمین موادشان، حاضرند حتی ناموس خود را نیز به فروش رسانند و این بیانگر اوج تأثیرگذاری اعتیاد بر روند کجروی معتاد است که سرقت در مقابل آن، امری عادی تلقی می‌گردد.

کم هزینه و به صرفه دانستن سرقت از منازل: این مقوله حاکی از آن است که چنانچه مجرمان احساس کنند در قبال اقدام به سرقت از منازل مردم، متحمل هزینه چندانی نشده و حداکثر پس از پرداخت اندکی جریمه و یا گذراندن مدتی در زندان دوباره می‌توانند به سطح جامعه برگشته و مجدداً به خلافکاری رو آورند، نفس چنین احساسی مشوق آنان در خلافکاری می‌شود و بازدارندگی نخواهد داشت.



ب) کاذب‌گذاری محوری بسترهای زمینه‌ساز برای سرقت از منازل:

در واقع در کنار عواملی جهت زمینه‌سازی برای گرایش افراد به سرقت، قطعاً شرایطی نیز وجود دارند که می‌توانند تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز اقدام به سرقت باشند که تحلیل و شناخت

آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این قسمت نیز با مفاهیمی که از مصاحبه با مجرمان به دست آمده، بسترهای زمینه‌ساز گرایش آنان به سرقت را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. پس از تحلیل داده‌ها در قالب جدول و کدگذاری اولیه حدود ۲۰ مفهوم به دست آمد که اینجا نیز برای پرهیز از طولانی شدن حجم مقاله مفاهیم استخراجی را به همراه مقوله‌های محوری، در یک جدول نقل می‌کنیم:

پس از تحلیل داده‌ها در قالب جدول و کدگذاری اولیه مفاهیمی به دست آمد که برای پرهیز از طولانی شدن حجم مقاله، مفاهیم را به همراه مقوله‌های محوری، در یک جدول می‌آوریم و سپس مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

جدول بسترهای زمینه‌ساز برای سرقت

ردیف	مفاهیم	مقولات محوری
۱	بی‌احتیاطی بزه‌دیده در محافظت از مال خود - اعتماد بی‌مورد به دیگران - نگهداری اشیای قیمتی در منزل - قفل نبودن درب حیاط منازل - فقدان حفاظ و دوربین مدار بسته - بازماندن درب منازل - عدم استفاده از تجهیزات امنیتی - اطلاع داشتن از نبود صاحب خانه.	بی‌احتیاطی بزه‌دیده
۲	سهولت فروش وسایل سرقتی - وجود مال‌خبر - امکان به فروش رساندن طلا به مال‌خرها و طلافروش‌ها - عدم ساماندهی مراکزی همانند ضایعاتی‌ها - دسترسی راحت به بازار خرید و فروش اموال سرقتی؛	سهولت فروش لوازم سرقتی
۳	متروکه بودن ساختمان - خلوتی محله - سهولت ورود به برخی ساختمان‌ها بر اساس نوع ساخت آنها - بافت خاص محله‌های پایین شهر - خانه‌های در مجاورت ساختمان‌های نیمه کاره - خالی ماندن منازل در ایام خاص ملی و مذهبی و روزهای تعطیل. فرهنگ نگهداری پول نقد و طلا توسط مردم قم	شرایط خاص محیطی
۴	فقر؛ بیکاری و نداشتن شغل دائم - عدم توان مالی خانواده جهت حمایت از فرزندان - عدم رضایت از وضعیت مالی؛	بی‌کاری و فقر
۵	زندگی و رشد در محیط اجتماعی ناسالم؛ آموزش شیوه سرقت در زندان	محیط اجتماعی فاسد
۶	عدم رضایت از موقعیت اجتماعی - احساس بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی در اعطای تسهیلات و خدمات اجتماعی؛	احساس بی‌عدالتی اجتماعی
۷	ضعف گشت‌های کلانتری و نبود مأموران گشت - حضور اندک مأموران گشت در محله‌ها - عدم برخورد جدی با عاملان توزیع مواد مخدر - برخورد غیرارشادی عوامل انتظامی؛ اطاله دادرسی، عدم حمایت و کنترل سارق بعد از آزادی، عدم حمایت نظام قضایی از نیروی انتظامی	برخورد نامناسب و ضعف نیروهای نظارتی و انتظامی
۸	طرد شدن فرد توسط جامعه به علت سوء سابقه.	طردشدگی

بی‌احتیاطی بزه‌دیده: تراکم جمعیت در مناطق مسکونی و همجواری شهروندان با سطوح مختلف اجتماعی و طبقاتی و همچنین عدم آشنایی آنان با یکدیگر و در نتیجه وجود افراد غریبه در کنار هم زمینه‌ساز ناهمگنی بیش از پیش شهروندان با همدیگر و تشدید حس عدم تعلق میان آنان می‌شود. این فضا بالضروره مستلزم مواظبت بیشتر افراد از محل سکونت خود و احتیاط در نگهداری و مراقبت از وسایل و لوازم زندگی‌شان است؛ بنابراین، بی‌احتیاطی و عدم دقت در حفاظت از منزل و وسایل آن و ... زمینه‌ای آماده برای تعرض و دستبرد از سوی کسانی است که مستعد رفتارهای هنجارشکنانه و مجرمانه از قبیل سرقت و ... هستند. بی‌احتیاطی افراد در محافظت از اموال‌شان، اعتماد بی‌مورد به کسانی که شناخت درستی از آنان ندارند، نگهداری اشیای قیمتی در منزل، قفل نکردن درب حیاط منازل در ساختمان‌های ویلایی، عدم تجهیز ساختمان به سیستم‌های حفاظتی و عدم نصب دوربین مدار بسته و ... مواردی هستند که به تسهیل اقدام بزه‌کاران در تعرض به اموال دیگران، کمک می‌کنند.

سهولت فروش لوازم سرقتی: وجود زمینه برای کسانی که به شیوه‌های غیرقانونی اموالی را به دست آورده و قصد فروش و یا تبدیل آن اموال را داشته باشند، تحریص‌کننده بقا و تداوم آن شیوه خواهد بود. تصور کنید شرایطی را که فردی به صورت غیرقانونی اموالی را به دست آورده باشد و به هیچ‌وجه نتواند آن را به فروش برساند، بالطبع در چنین وضعیتی افراد این‌گونه شیوه‌ها را ترک خواهند کرد.

شرایط خاص محیطی: امروزه در رشته مهندسی شهری و شهرسازی تأکید بر رعایت یک سلسله اصول ایمنی با انگیزه کاستن از روزنه‌هایی برای بزه‌کاران و مجرمان است که با استفاده از شرایط خاص محیطی و نحوه ساخت و ساز به بزه‌کاری بپردازند. این تأکید برای آن است که زمینه ارتکاب جرم را از جنبه‌های محیطی به حداقل برسانند. متروکه بودن ساختمان، خلوتی محله، سهولت ورود به ساختمان‌ها بر اساس نوع ساخت‌شان، بافت خاص محله‌های پایین شهر، وجود منازلی در مجاورت ساختمان‌های نیمه‌کاره و خالی گزاردن خانه‌های مسکونی در ایام خاص ملی و مذهبی و روزهای تعطیل زمینه‌هایی برای دستبرد و سرقت‌اند.

بی‌کاری و فقر: در اینکه فقر و نیازمندی انسان به تأمین ضروریات زندگی، بخصوص احتیاجات زیستی از قبیل خوراک و پوشاک، ممکن است وی را به انواع رفتارهای پسنندیده و

ناپسند در جامعه بکشاند، دور از ذهن نیست؛ بلکه اغلب کجروی‌های اجتماعی، برخاسته از فقر و یا احساس آن توسط اعضای جامعه است.

محیط اجتماعی فاسد: محیط اجتماعی فاسد و دارای کثرت کنش‌های افراد هنجارشکن، مسأله‌ای است که همانند نقش همنشینان فاسد و نابهنجار، در تغییر رفتار و شکل‌دهی به اندیشه و کنش‌های افراد برای همگون شدن با آن شرایط مسلط، قابل پذیرش است؛ بنابراین، می‌توان آن را به عنوان زمینه و بستری مؤثر برای سوق دادن افراد به سمت بزه‌کاری دانست؛ می‌توان دغدغه دین اسلام برای ضرورت اجرای امر به معروف و نهی از منکر را در همین راستا تلقی کرد که به وسیله آن مسلمین نسبت به پیشگیری و زدودن محیط جامعه از مظاهر نابهنجاری و کجروی‌ها اقدام کنند و بی‌تفاوت نباشند.

احساس بی‌عدالتی اجتماعی: هنگامی که افراد در جامعه وضعیتی را مشاهده کنند که «انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است» و کسانی با بهره‌مندی از امتیازاتی خاص مراتبی را در اجتماع اشغال کرده‌اند، احساس بی‌عدالتی در جامعه به افرادی دست می‌دهد که به قول کی. رابرت مرتن با مشاهده این وضعیت، آنان برای دستیابی به مراتب مشابه، دنبال رفتار جایگزین بگردند که ممکن است آن رفتار جایگزین شده، کنشی مجرمانه از قبیل دستبرد به اموال دیگران و سرقت باشد.

برخورد نامناسب و ضعف نیروهای نظارتی و انتظامی: نوع تعامل عوامل اجرای قانون با مجرمان و برخورد قانونی و یا ناپسند و تنفرآور مأموران با آنان می‌تواند در جهت‌دهی رفتار این‌گونه افراد مؤثر واقع شود؛ به این معنی که چنانچه برخورد مأموران با رعایت اصول اخلاقی و با دلسوزی و خیرخواهی باشد، در مواردی می‌تواند مجرمان را تحت تأثیر قرار داده و با شرمندسازی، آنان را از ادامه کنش‌های کجروانه باز دارد. البته روشن است که این مطلب پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و با در نظر گرفتن مجموعه روحیات و شرایط هر مجرم می‌تواند متفاوت باشد. چنانچه در سیره امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام این‌گونه نبوده که همواره با افراد مجرم با اغماض برخورد کرده باشند، بلکه بر حسب ویژگی‌های خاص افراد عمل می‌کردند. مرتبط با همین مورد می‌توان بحث از ضعف و یا قوت و شدت عمل نیروهای نظارتی و انتظامی را مطرح ساخت که در هر دو حالت رفتارهای متناسب با آن را در جامعه از سوی افراد می‌توان مشاهده کرد.

طردشدگی: چنانچه فردی در اثر ارتکاب جرمی محکوم شده و به زندان بیافتد، پس از سپری شدن دوران محکومیت و آزادی از حبس، عموماً افراد جامعه چنین افرادی را به راحتی نمی‌پذیرند و کمتر کسی به آنان اعتماد می‌کند. این عدم پذیرش و طرد از سوی جامعه، خود به خود، این‌گونه افراد را به سوی کسانی می‌کشاند که دارای سوء سابقه بوده و دورانی از زندگی خود را در حبس گذرانده‌اند؛ گرایش چنین افرادی به همدیگر و همنشینی با هم زمینه‌ای اساسی برای گرایش مجدد به رفتارهای مجرمانه و هنجارشکنانه است.



نمودار کدگذاری گزینشی:

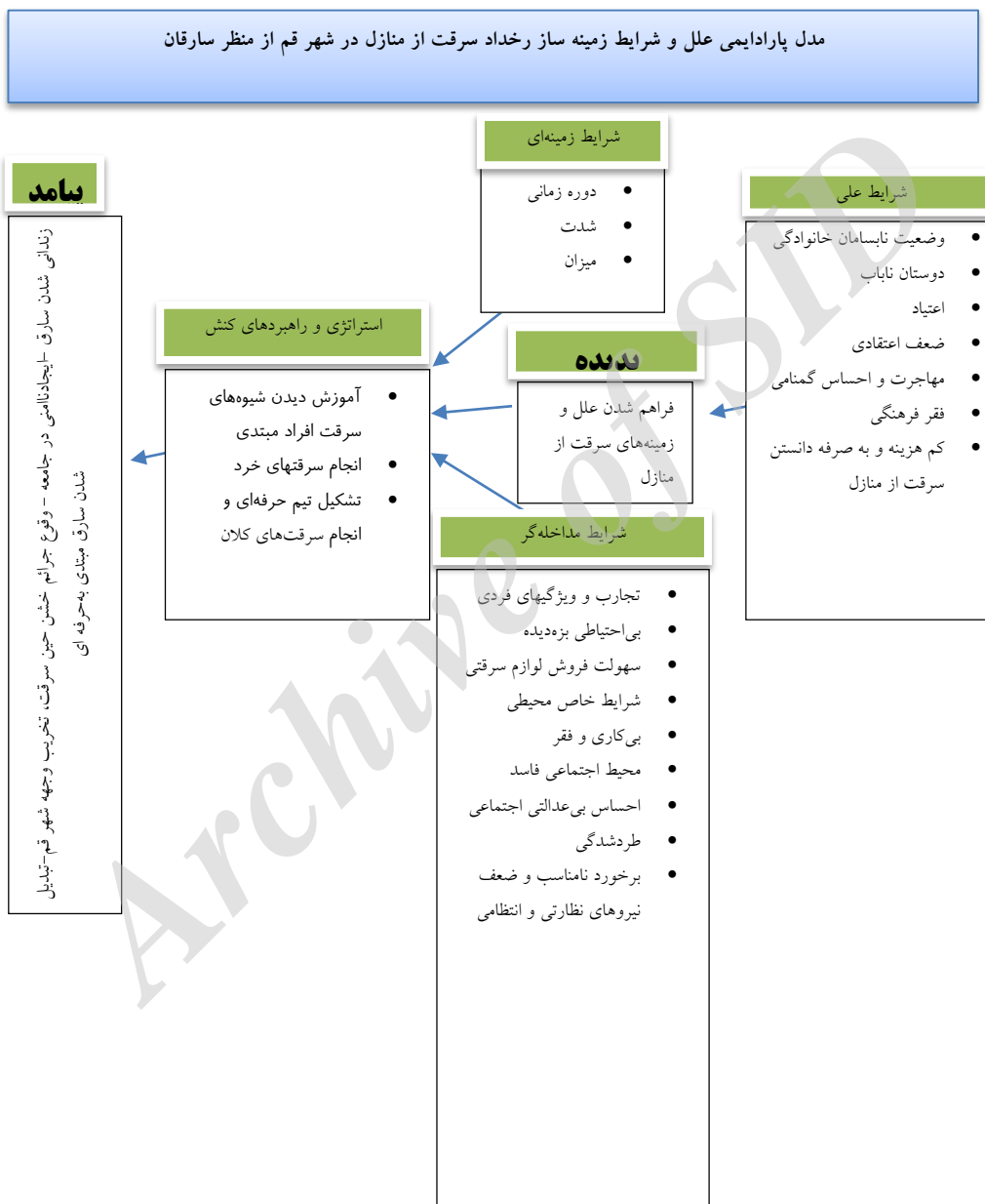
با توجه به مقولات عمده می‌توان گفت که مقوله «دخالت مجموعه‌ای از زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی، خانوادگی، قضایی، انتظامی و فردی برای سرقت از منازل در شهر قم» مفهومی است که به عنوان کدگزینشی، می‌تواند تمامی مباحث علل گرایش به سرقت از منازل در شهر قم را پوشش دهد.

در خصوص بسترهای زمینه‌ساز برای سرقت، مقوله گزینشی که بتواند حداکثر فضای مفهومی از مقولات محوری را در برداشته و آنها را حول خود سازماندهی کرده و به هم مرتبط سازد، عبارت است از «عدم رعایت نکات ایمنی از سوی افراد و به کارنگرفتن اصول ایمنی در شهرسازی و نیز سهولت فروش اموال سرقتی و طردشدگی».

پیامدهای وقوع سرقت از منازل:

بر اساس مشاهده و نیز اظهارات برخی از سارقان، پایین بودن سن آنان و گرایش به بعضی از خلاف‌کاری‌ها در حین سرقت، ایجاد رعب و وحشت برای خانواده‌ها و جامعه و نیز رخداد برخی از مصادیق جرائم خشن در حین سرقت از آثار عینی حرکت مجرمانه آنان است که نتیجه طبیعی آن، عدم اعتماد مردم به کارگزاران نظم و انتظام اجتماعی و تخریب وجهه شهر قم به عنوان شهری مذهبی است. هر کدام از این موارد به تنهایی برای اهتمام مردم و مسئولین برای مراقبت از اموال و دقت در ایمنی‌سازی منازل و ساختمان‌های خود و نیز مراقبت بر تعامل‌های خود با افراد غریبه، کفایت می‌کند. لذا برای پیشگیری از رخداد سرقت ضمن مراقبت‌های ویژه تمامی افراد جامعه باید در راستای جامعه پذیر گام بردارند. پارسونز مجریان کنترل اجتماعی را حافظان ارزش‌های اجتماعی می‌داند که شامل سیاست‌مداران، رهبران دینی، هنرمندان، قضات دادگاه‌ها، دولت و آنانی که مجاز به استفاده از زورند، ولی مجریان جامعه‌پذیری را همه آحاد جامعه می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ص ۴۵۷ با دخل و تصرف).

از آنجایی که موضوع اصلی این تحقیق بررسی علل، زمینه‌ها و شرایط سرقت از منظر سارقان بوده است، لذا تمامی یافته‌های حاصل از سؤالات مصاحبه‌ها حول محور این مقوله‌ها تحلیل شده و متناسب با هر یک از نتایج به دست آمده پیشنهادات کاربردی ارائه گردیده است؛ اما در این بخش از تحقیق نتایج حاصل از یافته‌ها در قالب مدل پارادایمی ترسیم شده است.



بحث و نتیجه گیری:

تحقیق حاضر با روشی کیفی، ژرفانگر و کاربردی و با استفاده از تکنیک گراند تئوری و ابزار مصاحبه اکتشافی به دنبال توصیف و تحلیل علل و زمینه‌های سرقت از منازل در سال ۹۴ در شهر قم بوده است. در این تحقیق بر اساس مطالعات انجام شده در منابع تئوریک، سؤالات باز جهت انجام مصاحبه اکتشافی و عمیق با سارقین منازل که دستگیر شده بودند، تهیه و تدوین شد. در پی نتایج به دست آمده و در تشریح عناصر پارادایم تحقیق باید گفت که برحسب ایتولوژی سرقت از منظر سارقین شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله سرقت بدین شرح بوده است. شرایط، یک روش مفهومی است برای گروه بندی پاسخ‌هایی که به پرسش‌های چرا، در کجا، چگونه، چگونه می‌شود که و چه وقت داده می‌شود. شرایط می‌توانند برخاسته از زمان، مکان، فرهنگ، قوانین و مقررات، باورها، اقتصاد، عوامل جنسیتی و نیز محیط‌های اجتماعی، سازمان‌ها، نهادهایی که ما خود را در آن می‌بینیم و نیز انگیزه‌ها و گذشته فردی ما باشند (اشتراوس و کریبن، ۱۳۹۰: ۱۵۲). شرایط ممکن است خرد یا کلان باشند. شرایط ممکن است تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم خطی یا غیرخطی داشته باشند (اشتراوس و کریبن، ۱۳۹۰: ۱۵۳). برای آنکه به مناسبات پیچیده میان شرایط و رابطه بعدی آنها با عمل/تعامل‌ها نظم بخشیده شود بهتر است شرایط مختلف را از یکدیگر بازشناسیم (اشتراوس و کریبن، ۱۳۹۰: ۴-۱۵۳).

الف- شرایط علی: شرایطی که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند. شرایط علی: «شرایط علی» به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شود. (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱) در این مقاله وضعیت نابسامان خانوادگی (خانواده متزلزل، بدسرپرست و بی سرپرستی، عدم کنترل صحیح خانواده و نداشتن مهارت والدین در برخورد با مسائل جوانان) از طریق ایجاد خلل در کارکرد اجتماعی کردن فرزندان و درونی کردن ارزشها و ساختن شخصیت متزلزل از اعضای خود، دوستان ناباب (از طریق نوعی هم نشینی افتراقی و تشویق کردن به کجروی و اعطای پاداش در این زمینه) (بودون و بوریکا، ۱۳۷۷: ۳۳ به نقل از سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۷)، اعتیاد، ضعف اعتقادی (با ایجاد

نوعی کاهش تعهد فرد نسبت به اعمال خود و از بین رفتن نوعی کنترل درونی غیررسمی)، مهاجرت (از طریق مواجه کردن فرد با احساس گمنامی اجتماعی و انزوا و طرد اجتماعی و حاشیه نشینی و گرایش به مشاغل کاذب) و فقر فرهنگی (در زمان مختل شدن نظم اجتماعی پیشین و جایگزین شدن سریع نظم اجتماعی نوین، بدون ایجاد بستر فرهنگی) و در نهایت کم هزینه و به صرفه دانستن سرقت از منازل از منظر سارقین به عنوان شرایط علی رخداد سرقت از منازل نقش مهمی در فعلیت یافتن انواع متفاوت اندیشه‌ها و تمایلات کجروانه داشته‌اند.

ب- شرایط مداخله گر: آن‌هایی هستند که شرایط علی را دخیل یا به نحوی تغییر می‌دهند. شرایط دخیل اغلب برخاسته از اوضاع و احوال غیرمنتظره هستند. (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۴-۱۵۳). در تحقیق حاضر، شرایط مداخله گر به قرار زیر طی مکانیسم تشریح شده شرایط تحقق سرقت از منازل را فراهم کرده‌اند.

تجارب و ویژگیهای فردی سارقین (زیاده خواهی فرد سارق، ضعف معنویت و اخلاق، خودنمایی به دلیل احساس حقارت)، بی‌احتیاطی بزه‌دیده، سهولت فروش لوازم سرقتی و دردسترس بودن مال خرها، شرایط خاص محیطی و طراحی نامناسب محیط و ساختمان و ایجاد امکان دسترسی راحت، بی‌کاری و فقر (به عنوان عواملی ثبات بخش در کنار سایر عوامل)، محیط اجتماعی فاسد (همانگونه که مرتن در نظریه فرصت‌های مشروع افتراقی، انحرافات را نتیجه فشارهای ساختاری می‌داند که مردم را تحت فشار قرار می‌دهد، تبیین می‌کند) (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۲۹)، احساس بی‌عدالتی اجتماعی (پیرو نظریه تئوری احساس محرومیت نسبی، به دلیل ایجاد نابرابریهای اجتماعی و فاصله طبقاتی بین فقرا و ثروتمندان و احساس بی‌عدالتی اجتماعی. طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌گردد و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد «شدت» یا «عمق» و همچنین «گسترده‌گی» آن در سطح جامعه، زمینه شکل‌گیری آنومی در جامعه قلمداد می‌شود) (رفیع پور،

فرامرز، ۲۸: ۱۳۷۸ - ۳۷). پردشدگی و انزوای اجتماعی، برخورد نامناسب و ضعف نیروهای نظارتی و انتظامی (زمینه بی اعتمادی به نیروهای انتظامی و بدبینی مردم به آنها ایجاد نموده و می‌تواند زمینه انزجار و در نهایت عدم همراهی آنها با پلیس را فراهم نماید و بعضاً برخی سارقین معتقد بودند که لجاجت با نیروهای انتظامی زمینه ساز انحراف آنها بوده است).

ج) شرایط زمینه‌ای؛ مجموعه خاصی از شرایطی که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که افراد با عمل/تعامل‌های خود به آن پاسخ دهند (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۵۴). شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی دارند و محصول تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون هستند (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۵۴)؛ که در این تحقیق شدت و عمق و میزان و مدت زمان نقش شرایط زمینه‌ای رخداد سرقت را داشته‌اند.

اما پدیده واژه‌ای است که به پرسش جریان چیست پاسخ می‌دهد. پدیده شکل‌های تکرارشونده رویدادها یا اعمال و تعامل‌هاست. رویدادها، اعمال یا تعامل‌هایی که افراد به تنهایی یا جمعی در پاسخ به موقعیتی که در آن قرار دارند به زبان می‌آورند یا آن را انجام می‌دهند (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۵۲). در هنگام کدگذاری از اصطلاح مقوله به جای پدیده استفاده می‌کنیم (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۵۲). لذا در تحقیق حاضر پدیده، فراهم بودن شرایط علی و زمینه‌های رخداد سرقت از منازل در شهر قم، است.

در تشریح استراتژی‌های و راهبردهایی که کنشگران در مواجهه با پدیده و با توجه به شرایط علی و زمینه ساز اتخاذ می‌کردند؛ باید گفت: عمل/تعامل‌ها، اصطلاحاتی هستند که برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی و چگونگی مدیریت موقعیتها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌بریم (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۵۵). عمل/تعاملات کنش‌هایی تعمدی و هدفمند هستند که برای حل یک مساله صورت می‌گیرند (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۵۵). به دلیل فراهم بودن شرایط علی و ساختاری، سارقین از منازل سه نوع راهبرد را اتخاذ می‌کرده‌اند. در نوع اول سرقت که سرقت‌های تیمی، حرفه‌ای و کلان و برنامه

ریزی شده است؛ اغلب سرقتها باشناسایی قبلی و به صورت هدفمند و از مناطق مرفه نشین توسط سارقین مهاجر انجام می‌گیرد که اغلب کارگروهی و با تقسیم کار انجام می‌دشه است. در این نوع از سرقتها (سرقت‌های برنامه ریزی شدن و کلان) دو نوع راهبرد توسط دو گروه اتخاذ می‌گردد. گروه اول سارقین مبتدی هستند؛ که اغلب برای اولین مرتبه بوده که در سرقت همکاری می‌کرده‌اند؛ آن‌ها عمدتاً در سرقت‌های گروهی شرکت کرده و نقش مراقب و اطلاع رسانی به گروه را ایفا می‌نمایند و با نقش‌گزینی در فرایند عملیات سرقت برنامه ریزی شده و ورود به خرده فرهنگ سارقین، مهارت‌های لازم را برای برنامه ریزی و اجرای این گونه سرقتها از سارقین حرفه‌ای می‌آموزد. همچنین در این گروه افراد حرفه‌ای حضور دارند که علاوه بر برنامه ریزی سرقت و هدایت و رهبری گروه، نقش کلیدی در انجام سرقت را نیز ایفا می‌نمایند. آن‌ها عمدتاً با خانواده و خودروهای سرقتی مدل بالا هنگام غروب آفتاب و بیشتر در ایام تعطیلات، با دو روش تایلپور زنی، توپی زنی و یا دیوار روی، اقدام به سرقت نموده و در هنگام ورود به منزل ابتدا به اتاق خواب و اولین کشوی درآور رجوع می‌کنند. چرا که می‌دانند فرهنگ نگهداری طلا به عنوان سرمایه گذاری در ایران رایج است. آن‌ها که مدیریت گروه را برعهده دارند عمدتاً سهم بسیار بیشتری نیز می‌برند.

اما در نوع دوم سرقت از منازل که سرقت‌های خرد را شامل می‌شود؛ عمدتاً سارقین بومی و معتاد هستند که دست به سرقت اولین چیزی می‌زنند که به چشمان‌خطور می‌نماید؛ این گروه عمدتاً سریعاً هم به دام می‌افتند.

و اما در خصوص پیامدها باید گفت: پیامدها نتایج اعمال و تعاملها هستند (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۵۰). پیامدها به ما می‌گویند؛ در نتیجه اعمال و تعاملهایی که تحت چنان شرایطی صورت گرفته یا نگرفته، چه پیش آمده (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۵۰). برخی از پیامدها خواسته و برخی دیگر ناخواسته‌اند (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۵۶). پیامدها می‌توانند کم یا زیاد، کوتاه مدت یا بلند مدت، فوری یا تدریجی، مشهود یا پنهان، قابل پیش بینی یا غیر قابل پیش بینی، دارای اثر محدود یا گسترده باشند (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۵۷). با توجه به

توضیحی که درخصوص پیامدها گذشت مهمترین پیامدهای سرقت از منازل از نظر سارقین؛ زندانی شدن سارق، ایجاد ناامنی در جامعه، احتمال وقوع جرائم خشن حین سرقت، تخریب وجهه شهر قم (با توجه به جایگاه حساس مذهبی که دارد)، تبدیل شدن سارق مبتدی به حرفه ای بوده است.

پیشنهادات:

در پایان پس از تحلیل نتایج، پیشنهاداتی بر مبنای یافته‌های تحقیق، خطاب به سازمان‌ها و نهادهای دولتی، به ویژه دستگاه قضایی، نیروی انتظامی و در نهایت شهروندان، خانواده‌ها ارائه می‌گردد. بی تردید علل و زمینه‌های شکل‌گیری و رخداد سرقت را نباید تنها در شخص یا یک نهادی واحد همچون نیروی انتظامی جستجو کرد؛ بلکه همواره مجموعه از ساختارهای اجتماعی به همراه علل فردی زمینه ساز تحقق یک انحراف اجتماعی می‌شود. به راین اساس لازم است که تمامی نهادهای دولتی و خصوصی نقش خود را به خوبی ایفا نمایند تا شاهد پیشگیری و کاهش رخداد سرقت از منازل بود. در این جهت سازمان‌ها و نهادهای دولتی لازم است ضمن برنامه‌ریزی و توجه به افراد بدسرپرست، توجه به اشتغال کسانی که دوران حبس را گذرانده‌اند، نظارت در امر شهرسازی ایمن به ویژه در محله‌های مرفه‌نشین، بالای شهر و محله‌های خلوت، سامان‌دهی خرابه‌ها و پیگیری ساخت به هنگام خانه‌های نیمه‌کاره توسط صاحبان آنها از سوی شهرداری، برخورد شهرداری با ضایعاتی‌های سطح شهر و کنترل و شناسنامه‌دار کردن آنها، کنترل شدید سمساری‌ها و طلافروشی‌ها با سابقه مال‌خری توسط اتحادیه مربوطه، توجه شهرداری‌ها به سیستم‌های حفاظتی و امنیتی منازل هنگام اخذ پایان کار ساختمان، هماهنگی سیستم اشتغال با سیستم حس‌زدایی از افراد با رویکردی جرم‌محور نه مجرم‌محور در جهت پیشگیری از رخداد سرقت از منازل نقش کلیدی خود را ایفا نمایند.

در این بین دستگاه قضایی، می‌تواند ضمن جدا نگه‌داشتن زندانیان سابقه‌دار از سارقان غیرحرفه‌ای و مبتدی، افزایش توجه به آموزش‌ها در کانون‌های اصلاح و تربیت جهت

سابقه‌دار نشدن زندانیان کم سن و سال، تعیین مجازات سنگین برای سارقان از منازل و تشدید و تسریع در مجازات سارقان منزل به ویژه برای سابقه‌دارها، بسترسازی مناسب در جامعه جهت اجرای سیاست حبس‌زدایی به شیوه صحیح و کارآمد، توجه بیشتر به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زندانیان جهت استفاده از این آموزش‌ها پس از آزادی، تشدید مجازات مال‌خرها زمینه تحقق سرقت از منازل را کاهش دهند.

علاوه بر نقش نهادهای دولتی، سازمانی که به‌طور مستقیم در پیشگیری و مبارزه با جرائم به ویژه سرقت از منازل نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید؛ نیروی انتظامی است. این سازمان با افزایش گشت‌های نیروی انتظامی در محله‌ها، به ویژه محله‌هایی که چندین سرقت در آن انجام شده، کنترل و مبارزه جدی با توزیع کنندگان مواد مخدر، به ویژه مواد مخدر صنعتی و توهم‌زا؛ آگاهی بخشی به مردم در خصوص شیوه‌ها و شگردهای سرقت و چگونگی مراقبت از اموال توسط مردم، از طریق حضور در مدارس یا دانشگاه‌ها یا توزیع بروشورها در سطح شهر؛ ارائه اطلاعات صحیح به مردم جهت جلوگیری از سرقت و نگهداری اموالشان؛ کنترل و هدایت زندانیان پس از آزادی از زندان و اتخاذ برنامه‌های حمایتی برای سالم نگه داشتن آنها؛ آموزش کادر نیروی انتظامی جهت برخورد صحیح با متهمان؛ نصب دوربین در کوچه‌ها و خیابان‌های مواصلاقی مهم در محله‌ها؛ آگاهی‌بخشی به مردم در خصوص علل، زمینه‌ها و پیامدهای سرقت از منازل؛ می‌تواند به کمک سایر نهادها در پیشگیری و کنترل سرقت از منازل گامی مؤثر بردارد. علاوه بر سازمانهای مذکور و نیروی انتظامی نقش بسیار مهم دیگر بر عهده خانواده‌ها و شهروندان است. در این بین مالکان و پیمانکاران با توجه کردن به امنیت ساختمان‌ها و درب و پنجره‌ها و حفاظدار کردن تویی درب‌های ورودی منازل و ساختمان‌ها؛ استفاده از سیستم‌های امنیتی مانند آیفون تصویری، دوربین، دزدگیر آژیردار، حفاظ نرده‌ای و قفل کتابی؛ نصب درب‌های آکاردئونی جلوی واحدهای آپارتمانی، ایمن کردن راه ورود به پشت‌بام به ویژه در خانه‌های پایین شهر، قرار دادن آژیر و دزدگیر در محل مخفی و دور از انظار عمومی، اطلاع‌رسانی سریع به پلیس در هنگام مفقود شدن پلاک خودرو جهت جلوگیری از

سوءاستفاده سارقان، نگهداری اسناد، تصاویر، آلبوم و فیلم‌های شخصی در جای مطمئن مانند گاوصندوق، اختفای محل نگهداری وجه نقد، طلا و جواهر، اشیای با ارزش و گران‌بها از همسایگان و افراد غیرقابل اعتماد می‌توانند در ایجاد نظم و امنیت برآمده از پیشگیری و کاهش سرقت از منازل مؤثر واقع گردند. همچنین خانواده‌ها و والدین، با توجه بیشتر به فرزندان (به ویژه فرزندان طلاق) جهت جلوگیری از بزه‌کار شدن آن‌ها، تحت حمایت قرار دادن و مراقبت از کودکان دارای سرپرست منحرف، آموزش به فرزندان در زمینه رعایت حلال و حرام و حق‌الناس، عدم نگهداری طلا و زیورآلات خانم‌ها در اتاق خواب، سپردن پول و طلا در بانک و صندوق امانات به جای قرار دادن آن در منزل، دوستی با فرزندان و کنترل رفتارهای بچه‌ها توسط والدین، کسب مهارت‌های گوناگون توسط والدین جهت تعامل صحیح با فرزندان، همراه شدن با فرزندان در تفریحات، جلوگیری از درگیری و مشاجره، محبت کردن به فرزندان به ویژه توسط پدر، توجه به افزایش معنویت در خانواده‌ها، توجه به انتخاب دوست توسط کودکان و کنترل نامحسوس روابط دوستانه فرزندان، ضمن درونی سازی نظام ارزشی جامعه با کنترل متعادل خود زمینه پیشگیری از گرایش فرزندان به انحراف اجتماعی به ویژه سرقت را فراهم نمایند.

منابع

- استراوس، انسلم آل؛ و جولیت کرین (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.

- اسماعیلی‌خو، علی (۱۳۷۵). پایان‌نامه با موضوع بررسی علل گرایش به سرقت وسایل نقلیه در تهران بزرگ.
- برتاو عیسی و همکاران (۱۳۹۲). بررسی الگوهای سرقت مسکونی با به کارگیری رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی مطالعه موردی شهر زاهدان. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. پاییز و زمستان ۱۳۹۲. دوره ۲. شماره ۲ (پیاپی ۶). از صفحه ۱ تا صفحه ۲۳.
- به بی ارل (۱۳۸۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه دکتر رضا فاضل. جلد دوم. انتشارات صدر سال.
- بیتا، حامد و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه»، فصلنامه پیشگیری از جرم. شماره ۱۶. صفحه ۲۷ تا ۶۲.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*. چ ۱. تهران. سروش.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲). روش تحقیق در مدیریت. تهران. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی - اصول و مبانی. جلد اول. تهران. پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی*. پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم. چاپ زیتون.
- سلیمی، علی و همکاران (۱۳۸۸). *هم‌نشینی و کجروی*. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ستوده، هدایت‌الله و دیگران (۱۳۷۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. چ ۴. تهران. موسسه انتشارات آوای نور.
- عبدی، توحید و همکاران (۱۳۸۷). *عوامل مؤثر بر وقوع سرقت‌های به عنف شهرستان کرج*. نشریه پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی). بهار ۱۳۸۷. دوره ۳. شماره ۱. از صفحه ۶۴ تا صفحه ۷۸.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۸). *ریزومیک شدن جرائم و دگردیسی در مفهوم امنیت اجتماعی شهری در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی*. تهران، معاونت آموزش ناجا.

کلاتری، محسن و همکاران (۱۳۸۹). تحلیل فضایی الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. مطالعات امنیت اجتماعی. زمستان ۱۳۸۹. دوره جدید. شماره ۲۴. از صفحه ۱۴۱ تا صفحه ۱۶۰.

کوئن، بروس (۱۳۷۶)، مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه شلانی. تهران. انتشارات سمت.

فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران، نشر نی.

ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران. شرکت سهامی پانتشار.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰). «روش تحقیق کیفی ضدروش ۲». تهران. انتشارات جامعه‌شناسان.

Archive of SID